

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم: جناب استاد طبق فرمایشی که داشتید کتاب انسان عالم دینی را مطالعه نمودم در همه کتاب قصد القاء یک مطلب خاصی دارید که احیانا آن را تجربه نمودید یا بزرگان و واصلان آن را تجربه نمودند. نکته ای که هست و جواب گمشده ام را شاید در این کتاب پیدا نکردم یک جای کاری دارد می لنگد مشکلی که من بیان کردم با جواب حس می کنم تناسب تامی ندارد. توان علمی ام نمی کشه، چرا حس بیهودگی و پوچی به ما دست می دهد و سیری و وحشت از زندگی و تصور زائد بودن هستی و سنگینی آن سوای خوبی یا بدی احوال و حوادث چرا وقتی که اعصابم سالم بود اینها سراغم نمی آید یا خیلی بندرت با شدت کم می آید این وسط یک چیزی هست. خداوند با رحمت و اسعه اش نمی تواند با ما گرفتاران، بیسوادها (بمعنی در مقابل عارفان) اینگونه معامله کند که یا در عالم دینی باشیم یا زندگی ما پوچ اندر پوچ است. «یرید الله بکم الیسر ولایرید بکم العسر» چرا دقیقا در سن چهل و دو دنبال معنا می گردم؟ چرا بعد از این همه مدت چرا اوائل جوانی یعنی بیست سالگی دنبال چنین معنایی بودم یه رابطه ی معناداری وجود داره، که سن من و شاید سن انسانها بازی می کند من تفکرات بسیار عمیق و عمیق می کنم. احساس پوچی و وحشت از هستی ناشی از فقدان اعتقاد به خدا نیست، ناشی از هدفدار نبودن زندگی نیست، نه یک جای کار می لنگه همه چی مرتب هست، این وسط یک چیزی هست، سن من داره بازی درمیاره یا سیستم فکر و ذهنم یا هر چیزی که نمی دونم چیه، من سلامتی ذهنم را با همه وجود دیدم در حالی که این بیماری است. وجود سالم هدفمند ست اصلا به این مساله بیمارگونه غور نمی کند غور کردن یک بازی است این نوع غور با آن نوع غوری که برای جستجوی حقیقت می کنیم فرق دارد غور در حال عسر و مرض با غور همراه یسر و سلامتی دو چیز است. حتی ملحدان هم باید در سلامتی انتخاب کنند بیماری آن چیزی نیست که مدنظر پروردگار باشد. ظرف مریض است سیستم مختل است این اختلال منبعش مرموز هست. آیا در این زمینه نظری ندارید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: بحث نیپیلیسم یا احساس پوچی، مشکل این قرن است. متفکران معتقدند اگر کسی به خوبی متوجهی این امر بشود، نوع رویکردش به دین، رویکردی اساسی برای معنابخشی به زندگی می گردد و دین الهی چنین توانایی را دارد، اگر ما رویکردمان برای معنابخشی به احکام و دستورات دین باشد. موفق باشید

